

مختلف سمینار اقتصاد اسلامی برپا کنند و ایشان هم برای آشنایی بیشتر با نحوه برگزاری سمینار به اینجا آمده‌اند. البته بنده از خود آیت‌الله واعظ زاده هم پرسیدم که چطور شده ایشان در این سمینار شرکت کرده‌اند؟ گفتند آمده‌ام اینجا تا برای سمینار مشهودمان ایده بگیرم. در ضمن از ما (من، آیت‌الله تسخیری و آقای تبرائیان) هم دعوت کرد تا در سمینار مشهود شرکت کنیم. بنده و آیت‌الله تسخیری و آقای دکتر تبرائیان در این سمینار با هم همکاری داشتیم. من مدیریت این سمینار را به آقای دکتر تبرائیان و آیت‌الله تسخیری داده بودم. در هر حال، سمینار اقتصاد اسلامی برگزار شد و ایشان هم در آنجا سخنرانی خیلی جالبی داشتند. بعد از آن ما را به عنوان اعضای هیأت علمی به سمینار مشهود دعوت کردند و بالاخره ما هم در آن سمینار شرکت کردیم و خلاصه با آیت‌الله واعظ زاده بیشتر آشنا شدیم.

چطور با اندیشه تقرب و کارهای ایشان در این حوزه آشنا شدید؟

متأسفانه، من قبلاً ایشان را نمی‌شناختم تا اینکه به مناسبت هفته وحدت برای انجام مصاحبه‌ای راجع به وحدت اسلامی من و آقای واعظ زاده به قم دعوت شدیم. تا آن موقع نمی‌دانستم که ایشان یکی از علاقه‌مندان به تقرب هم هست. در آنجا با ما مصاحبه کردند و موقعی که به تهران بازگشتیم، با هم بودیم. در طول سفر ایشان برایم تعریف کرد که جلسه‌ای هم با آقای قمی، دبیرکل دارالتقرب داشته و یک مرتبه ایشان را دیده است. برایشان خیلی جالب بود زمانی که گفتم من چند سال هر روز با ایشان، با دبیرکل دارالتقرب مصر، بوده‌ام و حتی رفت‌وآمد خانوادگی داشته‌ام و نتیجه و محصول آن هم کتاب «همبستگی مذاهب اسلامی» است که در دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر شد. خلاصه ایشان علاقه‌شان به بنده خیلی بیشتر شد. تا اینکه در همان اوان، مقام معظم رهبری مسأله تأسیس مجمع جهانی تقرب را مطرح کردند و مقدماتش را آیت‌الله تسخیری فراهم کرد. بعد هم مقام معظم رهبری آقای واعظ زاده را به عنوان دبیرکل مجمع جهانی تقرب منسوب کردند.

ایشان وقتی از مشهد به تهران آمدند، اولین کسی را که به مقام معظم رهبری به عنوان عضو مجمع جهانی تقرب معرفی کردند، بنده بودم؛ آن هم به خاطر سوابقی که با دارالتقرب مصر داشتم. حدود ۱۰ نفر اعضای مجمع جهانی تقرب بودند و بنده هم جزو آنها بودم. از آنجا با هم آشنا شدیم و مرتب با هم رفت‌وآمد داشتیم و در تمام جلسات بحث‌های دارالتقرب را مطرح می‌کردیم. خلاصه ما درباره ایده‌هایی که مقام معظم رهبری داشتند در جلسات مان بحث می‌کردیم.

بعد از مدتی قرار شد برای مذاهب مختلف، دانشگاهی تأسیس شود. مقام معظم رهبری پیشنهاد دادند که این دانشگاه زیر نظر مجمع جهانی تقرب انجام بگیرد و برنامه‌ریزی‌اش را برعهده مجمع گذاشتند. آیت‌الله واعظ زاده با من مشورت کردند که چه کسی را برای کارهای اولیه و تأسیس این دانشگاه -- که قبلاً به نام مجمع بود یا مجتمع -- انتخاب کنیم. من با توجه به آشنایی که با آقای دکتر تبرائیان پیدا کرده بودم، ایشان را پیشنهاد کردم و گفتم آقای دکتر تبرائیان فارغ‌التحصیل دانشگاه

الأزهر مصرند و من ایشان را برای این کار مناسب می‌دانم. لذا این مأموریت را به ایشان دادند.

حدود یک سال با استادان شیعه و سنی، مخصوصاً از دانشگاه تهران، آقای دکتر أسعد شیخ‌الاسلامی جلساتی داشتیم. آنها بالاخره برای تهیه سرفصل دروس این دانشگاه در این جلسات جمع شدند. خوشبختانه هر کدام از استادان به فراخور حال خودشان سرفصل‌هایی را تهیه کردند. آیت‌الله واعظ زاده خودشان سرفصل‌های علم کلام، رجال، تراجم و علم‌الحديث را برای دانشکده‌های رجال و حدیث و دانشکده علم کلام تنظیم کردند، چون اطلاعات وسیعی در این زمینه داشتند؛ یعنی ایشان در آن زمان در میان استادان این علوم، واقعاً حرف اول را می‌زدند. به همین دلیل، وقتی ما سرفصل‌ها را به وزارت علوم بردیم برخی‌ها خواستند از آنها ایراداتی بگیرند اما وقتی فهمیدند که آنها را آیت‌الله واعظ زاده تهیه کرده است، دیگر اشکال نگرفتند. سرفصل‌ها بلافاصله تصویب شد و الحمدلله این دانشگاه با کمک استادانی از دانشگاه‌های مختلف شروع به کار کرد و خود آیت‌الله واعظ زاده هم قبول کردند که برخی از دروس مانند درس آیات‌الاحکام را در آنجا تدریس کنند.

ایده تقریبی آیت‌الله واعظ زاده چطور قوام یافت؟

بنده در خلال مجالست‌های فراوانی که با ایشان داشتم، متوجه شدم از شاگردان آیت‌الله بروجردی هستند و آیت‌الله بروجردی همکاری فراوانی با دارالتقرب مصر داشتند و به آنجا عشق می‌ورزیدند.

آیت‌الله بروجردی احاطه علمی فراوانی به فقه و مخصوصاً فقه مقارن داشتند، به طوری که تمام درس‌هایی که ایشان در فقه می‌دادند، با مطالعه فقه مذاهب اربعه بود. آیت‌الله واعظ زاده به من گفتند، هر وقت منزل آیت‌الله بروجردی می‌رفتم، می‌دیدم کتاب دبیة‌المجتهد ابن‌رشد اندلسی برای مطالعه روی میزشان است. از وقتی هم که دارالتقرب تأسیس شد، ایشان به دارالتقرب پیوستند و با آنها همکاری کردند و حمایت فراوانی هم از دارالتقرب داشتند که خیلی مؤثر بود. از سوی دیگر، آیت‌الله بروجردی تصمیم گرفتند جامع الاحادیثی نوشته شود که احادیث همه مذاهب در آن باشد. آیت‌الله واعظ زاده هم جزو همکاران این برنامه بودند و کتاب جامع‌الاحادیث را نوشتند. البته بعدها این طرح منحصر شد به احادیثی که در میان شیعیان بود و فقط احادیث اهل بیت طرح شد.

همچنین آیت‌الله بروجردی دو جلد کتاب الخلاف شیخ طوسی را بعد از ویرایش مجدد تجدید چاپ کردند که نقش بسیار مهمی برای ایجاد تقرب بین شیعه و سنی داشت. در این کتاب، شیخ طوسی محترمانه نظریات همه پیشوایان مذاهب اسلامی و نه شاگردانشان را بیان کرده است.

آیت‌الله واعظ زاده با توجه به این موضوع، کنگره بسیار معظمی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار و از علمای بزرگ جهان اسلام و کشورهای اروپایی مثل دانشگاه مک‌گیل کانادا و سایر استادان کشورهای مختلف برای شرکت در آن دعوت کردند. کنگره بسیار عظیمی شد و نقش بسیار مهمی در معرفی شیخ طوسی داشت، زیرا شیخ طوسی جایگاه شیخ‌الطائفه داشت. این

آیت‌الله واعظ زاده با من مشورت کردند که چه کسی را برای کارهای اولیه و تأسیس این دانشگاه -- که قبلاً به نام مجمع بود یا مجتمع -- انتخاب کنیم. من با توجه به آشنایی که با آقای دکتر تبرائیان پیدا کرده بودم، ایشان را پیشنهاد کردم و گفتم آقای دکتر تبرائیان فارغ‌التحصیل دانشگاه الأزهر مصرند و من ایشان را برای این کار مناسب می‌دانم

یادنامه‌ای برای گرامیداشت مقام علمی استاد آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۳